

مقدمه‌ای بر هویت علم اطلاعات و دانش‌شناسی (کتابداری و اطلاع‌رسانی ۲)

نگارش:

دکتر غلامرضا فدائی

(استاد دانشگاه تهران)



خانه کتابخانه‌های عمومی کشور
اداره کل پژوهش و توسعه



بهار ۱۳۹۴

سرشناسه	فدایی عراقی، غلامرضا، ۱۳۲۴ -
عنوان و نام پدیدآور	مقدمه‌ای بر هویت علم اطلاعات و دانش‌شناسی (کتابداری و اطلاع‌رسانی ۲)
مشخصات نشر	تهران: چاپار: نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	۵۳۰ ص.
شابک	978-600-276-063-0
وضعیت فهرست‌نویسی	فیبای مختصر
یادداشت	فهرست‌نویسی کامل این اثر در نشانی: http://opac.nlai.ir قابل دسترسی است.
یادداشت	an introduction to information sciences and knowledge studies 2:
یادداشت	کتابنامه. نمایه.
شناسه افزوده	نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور
شماره کتابشناسی ملی	۳۷۹۶۵۰۸



تهران: ۸۸۸۹۹۶۸۰ - ۰۹۱۲۱۹۶۰۲۱۴

تهران - خیابان ولی عصر (عج) - بالاتر از زرتشت

کوچه نوریخس - پلاک ۴۰ - نشر چاپار

مقدمه‌ای بر هویت علم اطلاعات و دانش‌شناسی

(کتابداری و اطلاع‌رسانی ۲)

نگارش: دکتر غلامرضا فدایی

استاد دانشگاه تهران

صفحه‌آرا و طراح جلد: رحیم کبیرصابر

چاپ اول ۱۳۹۴

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۲۷۶-۰۶۳-۰ ISBN: 978-600-276-063-0

حق هرگونه چاپ و انتشار محفوظ است.

قیمت: ۲۵,۰۰۰ تومان

سخن ناشر

«متن» مهم‌ترین سرچشمه در ایجاد و دوام خودآگاهی تاریخی بشر است. پیوند دیرین آدمیان با متن است که مشخصه وجودی انسان به‌عنوان موجود نمادساز را تحقق بخشیده و او را به موجود ممتازی بدل ساخته است که می‌تواند از گذشته عبرت گیرد، حال را بسازد، و آینده را پیش‌بینی نماید. گسیختگی این پیوند در هر جامعه، به‌معنای انهدام خودآگاهی تاریخی؛ و تبدیل شدن اعضای آن جامعه به افرادی است که از آنچه انسان بودن ایشان را در گذر تحول نمادهای فرهنگی و اجتماعی بر ساخته، گسسته‌اند.

کتابخانه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان ایجاد پیوند میان انسان و متن، خود همواره نماد شکوفایی یا زوال جوامع بوده است. هر گاه یک جامعه در جهت اشراف بر داشته‌های فرهنگی و اجتماعی خود یا سایر جوامع حرکت کرده و خواسته است تا از دل خودآگاهی کسب‌شده، آگاهی و دانایی نو بیرون دهد و حال و آینده خود را بسازد، کتابخانه‌ها رونق گرفته‌اند و هر گاه نادانی و از خود بیگانگی یا خودکامگی، وقوف به نشانه‌های تاریخی یک ملت را ممنوع و معلق ساخته است، پیوندها گسسته است و کتابخانه‌ها افول کرده‌اند.

کتابخانه عمومی در میان سایر کتابخانه‌ها، جایگاه ویژه‌ای در جامعه دارد. از یک سو، در صف اول تماس با آحاد جامعه قرار دارد و از سوی دیگر، در دولت مدرن، نقش یک قلمرو عمومی را برای پر کردن شکاف دولت-ملت و کم‌رنگ ساختن پیامدهای دیوان‌سالاری (بوروکراسی) ایفا می‌کند. چنین نهاد ارزشمندی، از دیرباز محل اشتغال کتابدارانی فرهیخته،

دانشمند، کتاب‌شناس و معلم بوده است. کم نیستند دانشمندانی چون کالیماخوس، کاسیدوروس، ابن‌مسکویه، صاحب‌بن‌عباد، و لایب‌نیتس که علاوه بر مقام شامخ علمی، شاغل به حرفه شریف کتابداری بوده‌اند. بر این اساس، کتابدار دانشمند و فرهیخته مهم‌ترین رکن در نقش‌آفرینی اجتماعی یک کتابخانه تلقی می‌شود و نقطه‌ای کانونی برای تمرکز بر آموزش و ارتقاء دانش و مهارت است.

از همین رو و در راستای اسناد بالادستی و اهداف راهبردی نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، اداره انتشارات و ارتباطات علمی در اداره کل پژوهش و نوآوری نهاد، وظیفه دارد با دیده‌بانی تحولات و نو یافته‌های علمی در عرصه کتابخانه‌های عمومی، همچنین بهره‌مند از مشارکت نخبگان کتابدار و فرزندگان نواندیش در همه رشته‌های مرتبط، متونی متناسب با اقتضائات بومی و ملی (در قالب ترجمه و تألیف) فراهم آورد تا در ارتقاء دانش و توان کتابداران فرزانه تحول‌آفرین در جامعه خودآگاه - هم دانشجویانی که در آینده احتمالاً راه به کرسی نظری یا حرفه کتابداری کتابخانه‌های عمومی خواهند گشود هم کتابدارانی که اکنون به این تعهد حرفه‌ای شاغل‌اند - سهمی ادا کنند. بر این بنیاد، اداره کل پژوهش و نوآوری نهاد ضمن استقبال از مشارکت اندیشوران دانشگاهی و کتابداران دانشور در پیدایش (رصد و پیشنهاد موضوعات و مفاهیم مورد نیاز، ترجمه، تألیف، ویرایش و ...) آثاری در گستره کتابخانه‌های عمومی، امیدوار است بتواند در راستای اعتلای دانش، فرهیختگی و کارآمدی روزافزون کتابداران حال و آینده کتابخانه‌های عمومی، به شیوه‌ای شایسته خدمت‌گزاری کند.

نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور

اداره کل پژوهش و نوآوری

فهرست

۷.....	بیشگفتار
۲۱.....	بخش ۱: فلسفی - نظری
	مقاله ۱: ریشه‌های فرهنگی و بومی در مفاهیم علم اطلاعات و دانش‌شناسی
۲۳.....	(کتابداری و اطلاع‌رسانی)
۵۱.....	مقاله ۲: تغییر نگاه، نقاط ضعف مبانی کتابداری و اطلاع‌رسانی را به قوت بدل می‌کند...
۷۳.....	مقاله ۳: تجربه‌گرایی، خودگرایی و انسان‌گرایی در کتابداری و اطلاع‌رسانی...
۱۳۱.....	مقاله ۴: تأثیر جهان‌بینی بر طبقه‌بندی علوم و تأثیر آن دو بر معرفت‌شناسی انسان...
۱۶۵.....	مقاله ۵: خلاقیت، آرامش و کتابخانه...
۱۸۹.....	مقاله ۶: هستی‌شناسی یا هستی‌نگاری در علم اطلاعات و دانش‌شناسی...
۲۰۷.....	مقاله ۷: مبانی معرفتی آینده‌پژوهشی در کتابخانه‌های عمومی...
۲۲۷.....	مقاله ۸: مبانی معرفتی علم‌سنجی
۲۴۵.....	بخش ۲: تربیتی - کارکردی
۲۴۷.....	مقاله ۹: نظریه اخلاقی و قرآن
۲۷۱.....	مقاله ۱۰: اثر یا پدیدآورنده اثر، بحثی در حوزه علوم تربیتی، اطلاع‌رسانی، ارتباطات...
۳۰۵.....	مقاله ۱۱: اخلاق حرفه‌ای با اشاره به اخلاق اطلاع‌رسانی و کتابداری...
۳۳۱.....	مقاله ۱۲: کارکردهایی جدید برای کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی...
۳۵۷.....	مقاله ۱۳: داده، اطلاعات، دانش و ربط آن با کتابداری و اطلاع‌رسانی
۳۸۵.....	بخش ۳: کاربردی - اجرایی
۳۸۷.....	مقاله ۱۴: نگرشی پویا به رده‌بندی و بازیابی
۴۰۷.....	مقاله ۱۵: استناد، هویت علمی و رفتار استناددهی

مقاله ۱۶: نقش اطلاع‌رسانی در حل مسأله.....	۴۳۳
مقاله ۱۷: بدیلی برای اف.آر.بی.آر؟.....	۴۵۵
مقاله ۱۸: پیرامون مدیریت دانش.....	۴۸۳
نمایه آیات.....	۵۰۷
نمایه احادیث.....	۵۰۹
نمایه ضرب‌المثل‌ها.....	۵۱۰
نمایه موضوعی و اعلام.....	۵۱۱

پیشگفتار

مبانی کتابداری و اطلاع‌رسانی و یا علم اطلاعات و دانش‌شناسی به بررسی اصول و هویت رشته می‌پردازد و اینکه جایگاه آن در درخت علم و خاستگاه و پایگاه آن کجاست و چه رابطه و نسبتی با سایر علوم دارد و اینکه آیا می‌تواند در کنار سایر علوم به عرض اندام بپردازد و از نقش و نقش‌آفرینی خود سخن بگوید؟ همچنین باید بگوید وظیفه‌اش در جامعه چیست و تا چه اندازه اهمیت دارد؟ آیا فقط به مسائل خُرد بسنده می‌کند و یا به مسائل کلان جامعه هم می‌پردازد و یا باید بپردازد؟ اگر این مبانی و مسائل حول آن درست تبیین شود آن وقت می‌تواند بگوید چه افرادی می‌توانند در این رشته به تحصیل بپردازند تا بتوانند نیازهای جامعه را بر اساس وظائف محوله به خوبی ایفا کنند.

اکنون که نام این رشته عوض شده و هم به نظر زیباتر و خوش‌آهنگ‌تر شده و هم امیدواری را بیشتر کرده است ضرورت توجه به مبانی بیش از پیش احساس می‌شود. از این جهت باید برنامه‌ریزان به این مسئله توجه ویژه کنند. با تأسف باید بگویم که هر از گاهی باز شنیده می‌شود که عده‌ای بر حرفه بودن و نه علمی بودن رشته اصرار دارند و نیز بعضی وقتی سخن از مبانی می‌رود آن را به بحث‌های داستان‌پردازی

شاعرانه تشبیه می‌کنند که مدرس آن چیزی برای گفتن ندارد. البته بدیهی است که کار بر روی مباحث نظری توجه ویژه و علاقه می‌خواهد و همانند همه حوزه‌های تخصصی، نیاز به تخصص دارد.

کتاب «مقدمه‌ای بر هویت کتابداری و اطلاع‌رسانی» با عجله تهیه شد. داستان آن به این صورت بود که در حدود بهمن ماه سال ۱۳۸۸ مدیر انتشارات چاپار از من خواست که اگر کتابی آماده دارم برای چاپ به وی بدهم تا برای نمایشگاه سال بعد آن را منتشر کند. در آن وقت من گفتم که کتابی آماده ندارم ولی میتوانم مقاله‌هایم را که عموماً چاپ شده‌اند را دوباره ویرایش کنم و به ایشان تحویل بدهم. نامبرده قبول کرد و من به سرعت مقالات مرتبط به حوزه مبانی را جمع‌آوری کردم و تحویل دادم. در این موقع بود که نهاد کتابخانه‌های عمومی چاپ و انتشار آن را خود برعهده گرفت و اگر چه برای نمایشگاه سال ۱۳۸۹ نرسید ولی یکی دو ماه بعد به بازار آمد. البته اگر چه مجموعه با عجله بیرون آمد و با توجه به اینکه چند مقاله آن راجع به نام و نامگذاری است و اکنون که نام رشته عوض شده کمتر موضوعیت دارد ولی حاوی نکات خوب و مرتبط است. در آن کتاب از چالش‌های رشته و چستی اطلاع بحث شده و آن را «اشراف آدمی بر نسبت‌های موجود بین اجزای یک پدیده و آن پدیده با پدیده‌های دیگر عالم» دانسته است. همچنین رابطه علم اطلاعات و ارتباطات در آن تشریح و تفاوت رشته و میان رشته بیان شده است. و موقعیت کتابداری در نظر و عمل و ارزش و اهمیت معرفت‌شناسی آن مطرح گردیده است. تعریف علم اطلاعات و دانش‌شناسی (کتابداری و اطلاع‌رسانی) یکی دیگر از مواردی است که در آن کتاب به تفصیل آمده است.

اما مجموعه حاضر که قدری بیشتر بر روی آن کار شده است، امید می‌رود که مشکلات جلد اول را کم‌تر داشته باشد. این مقالات شامل ۱۸ مقاله است که در سه بخش عرضه می‌شود. بخش اول مباحث فلسفی- نظری است و شامل ۸ مقاله است. بخش دوم به مباحث تربیتی - کارکردی می‌پردازد و از ۵ مقاله تشکیل شده و آخرین بخش مباحث اجرایی- عملکردی نام گرفته است و شامل ۵ مقاله است.

در مقاله اول با عنوان «ریشه‌های فرهنگی مباحث کتابداری و اطلاع‌رسانی» بیان می‌شود که بسیاری از مفاهیم موجود در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی، مفاهیمی انسانی است و با ذات نیاز بشر به دریافت اطلاعات و دانش عجین است و بیش از آنکه محصول دیدگاه شرقی یا غربی باشد انسانی و اسلامی است. لذا هر ملت و کشوری می‌تواند پایه‌های نظری این مفاهیم را در میراث فرهنگی خود جستجو کند.

در مقاله دوم نویسنده با نقادی مقاله «نقاط ضعف را می‌توان بدل به قوت نمود» نوشته «الین» و «آستروم» کوشیده است ضمن بیان نقطه نظرات آنان، به مشکلات ده‌گانه مطرح‌شده توسط آنان پاسخ دهد. او با اشاره به راهکارهای نهایی آن‌ها بیان می‌کند که چنانچه نگاه ما به حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی عوض شود و پایه‌های معرفتی آن از صیرف توجه به کتابخانه، به نیاز انسان به اطلاعات و دانش تغییر یابد، هم مشکل تعریف بی‌حد و مرز و غیر شفاف بودن این رشته حل می‌شود و هم تفرق و چندپارگی موضوعات مورد ادعای آنان در این حوزه به یکپارچگی بدل می‌گردد. همین‌طور مشکل دیگر یعنی خاستگاه حرفه‌مداری رشته نیز برطرف می‌شود.

مقاله سوم با عنوان «تجربه‌گرایی، خردگرایی، و اثبات‌گرایی در کتابداری و اطلاع‌رسانی» از «بیرگر یورلند» است که توسط نویسنده ترجمه شده است. مؤلف مدعی است که بحث درباره‌ی نظریه‌های معرفت‌شناسی و بررسی تأثیر آن‌ها کار کوچکی نیست. در عین حال، در خلال بحث‌ها مشخص می‌شود که تجربه‌گرایی و اثبات‌گرایی هنوز در کتابداری و اطلاع‌رسانی جریانی پر نفوذ است. او مثال‌هایی از این نفوذ ذکر کرده و تحلیل خاصی از نگاه تجربه‌گرایی در اطلاع‌جویی بیان و نشان داده به این عنوان که تجربه‌گرایی ممکن است یک نظریه هنجاری اطلاع‌جویی و سازماندهی دانش مطرح باشد.

مقاله چهارم «تأثیر جهان‌بینی بر طبقه‌بندی علوم و تأثیر آن دو بر معرفت‌شناسی انسان» نام دارد و در آن نویسنده مدعی است جهان‌بینی به معنی نوع نگاه انسان به جهان، بر روش طبقه‌بندی دانش بشری تأثیر می‌گذارد و در آن می‌توان نوعی وحدت و کثرت را مشاهده کرد. طبقه‌بندی‌ها به لحاظ تعداد، دودویی، سه‌تایی، چهارتایی، پنج و یا هفت‌تایی و بیشتر بوده‌اند که هر یک به نوع نگاه واضع آن بستگی داشته است. این طبقه‌بندی‌ها را به لحاظ منشأ و خاستگاه می‌توان به طبقه‌بندی‌های اندیشه (انسان) محور، مانند طبقه‌بندی ارسطو، طبقه‌بندی‌های دین (وحی) محور مثل طبقه‌بندی غزالی، طبقه‌بندی‌های دانش‌محور مثل طبقه‌بندی «ابن حزم» و «ابن اکفانی» و طبقه‌بندی‌های تجربه‌محور مثل آنچه پوزیتیویست‌ها به آن قائل‌اند، طبقه‌بندی ماده‌محور مثل آنچه در دایره‌المعارف بریتانیکا انجام شده است و سرانجام طبقه‌بندی دودویی که اخیراً مطرح شده و می‌توان آن را طبقه‌بندی

واقعیت محور نامید، تقسیم کرد. همچنین بیان می‌شود که علاوه بر فلاسفه، دایره‌المعارف‌نویسان نیز به نوعی به طبقه‌بندی دست زده‌اند که می‌توان آن را در شمار طبقه‌بندی‌های تاریخی جای داد. ابن‌ندیم علوم را به اوایل و اواخر تقسیم می‌کند. دانشمندانی که به نوعی نقل را و به تعبیری شرع را بر عقل ترجیح داده‌اند طبقه‌بندی خود را از ادبیات، قرآن و حدیث آغاز کرده‌اند. تشکیل ساختار طبقه‌بندی علوم متقابلاً در استحکام مبانی معرفت‌شناختی انسان تأثیر می‌گذارد. در نهایت بیان می‌شود که نقطه آغازین و بُرش اولیه در نگاه کلی به جهان در فهم و تفسیر حقایق و مسائل به انسان کمک شایانی می‌کند.

مقاله پنجم با عنوان «خلاقیت، آرامش و کتابخانه» بیان می‌کند که خلاقیت حاصل نیازمندی انسان به ایجاد پدیده و یا فرایند جدید و میل او به ایجاد آرامش و اسایش بیشتر است. بی‌قراری در همه ابعاد آن، چه مثبت و چه منفی، راه‌حلی را می‌طلبد. همچنان‌که یک فکر تا زمانی که بر روی کاغذ نوشته نشود آرامش فکری و ذهنی را بر هم می‌زند، محقق نیازمند به راه حل جدید هم وقتی به کتابخانه می‌رسد آرامش پیدا می‌کند و یا باید پیدا کند. ظاهر کتابخانه نشان از آرامش دارد. پس محتوا و مجموعه و نیروی انسانی آن هم باید عطش‌نشانان خلاقیت را فرو نشانند و بی‌قراری انسان‌های بی‌تاب را تلب و قرار بخشد. خلاقیت فقط در تنوع و کمیت نیست، بلکه در کیفیت و عمق هم هست، و در واقع آرامش امری کیفی و نفسانی است که آدمی به دنبال آن است. کتابخانه یا رفیق است برای آنکه می‌خواهد ساعات فراغت خود را در آن بگذراند، یا مشاور است برای آنکه دردمند است و می‌خواهد مشکلی را حل کند، یا مخاطب است برای آنکه ایده و

فکری نو دارد و می‌خواهد آن را بازگوید، و یا مرجع است برای آنکه طالب دانش است و می‌خواهد آن را افزایش دهد. همچنین اشاره شده است که مسجد از نظر روحی انسان را آرام می‌کند و کتابخانه از نظر فکری. اگر بپذیریم که آرامش و طمأنینه با یاد خدا تحقق می‌یابد، و قبول کنیم که معرفت و آگاهی نفس مقدمه معرفت حق است، پس همه خلاقیت‌ها و نوآوری‌های آفاقی و انفسی به نوعی از مسیر کتاب و کتابخانه می‌گذرد. کتابخانه به شرطی که هدفمند ساخته شده باشد، محل آرامش همه بی‌قراران هدفمند است.

مقاله ششم با عنوان «هستی‌شناسی و هستی‌نگاری در علم اطلاعات و دانش‌شناسی» به تفاوت‌های هستی‌شناسی و هستی‌نگاری مورد استفاده در این حوزه علمی می‌پردازد و نویسنده بحث می‌کند که هستی‌شناسی مربوط به حوزه فلسفه است و هستی‌نگاری در این جا مناسب‌تر به مقصود است. اما به این نکته تذکر می‌دهد که دو نوع رویکرد در جهان هستی و فلسفه وجود دارد، رویکردی که واقعیت را منهای ذهن، واقعی می‌شمارد و آن را مبدأ پیدایش همه نوع شناخت می‌داند و رویکرد دیگری که ذهن را اصیل می‌داند و می‌گوید آنچه در ذهن شکل می‌گیرد، مبنای واقعیت است، چنانچه با خارج مطابقت داشت صادق و الا کاذب است. در این رویکرد که متأسفانه بسیاری از مکاتب فلسفی گرفتار آنند ترجمه «انتولوژی» به هستی‌شناسی، معنی‌دار است اما با رویکرد اولی هستی‌نگاری تناسب بیشتری دارد.

مقاله هفتم که «مبانی معرفتی آینده‌پژوهی» نام دارد آینده‌خواهی، آینده‌بینی، آینده‌نگری، و آینده‌پژوهی را لازمه زندگی می‌داند که البته اصطلاح آینده پژوهشی جنبه دقیق‌تر و علمی‌تر آن را خاطر نشان

می‌کند. دورنگری شرط عقل است ولی باید دید که کدام آینده مورد نظر است؟ عمق این نگاه به پیش فرض، اعتقاد، نوع نگاه به زندگی و فعالیت‌های مرتبط به آن بستگی دارد. اگر گذشته رضایت بخش باشد آینده هم به احتمال قوی ادامه آن است. حزن و خوف به ترتیب مربوط به گذشته و آینده است و بشر نسبت به این دو در رابطه با آینده حساس است. کتابخانه‌های عمومی به عنوان مردم نهادترین سازمان‌ها نیز از این قاعده مستثنی نیست. اگر اهداف آن شفاف و سیاست‌هایش روشن باشد بسته به عمق این شفافیت و سیاست‌گذاری آینده آن نیز شکل می‌گیرد.

مقاله هشتم با عنوان «مبانی معرفتی علم‌سنجی» به اهمیت علم‌سنجی و رابطه آن با حوزه‌های علمی دیگر می‌پردازد و بیان می‌کند که اهمیت هر علم بسته به میزان نیاز انسان به آن علم است. فراتر از آنچه درباره علم‌سنجی تاکنون گفته شده است، نویسنده معتقد است که علم‌سنجی دارای دو ویژگی علم و سنجش است. علم نیز شامل کمیت و کیفیت است اما سنجش بیشتر به اندازه‌گیری کمی و کیفی و بیان مقدار و اندازه‌ها برمی‌گردد. اندازه‌ها شامل کم و کیف است. در مجموع کارکرد علم‌سنجی را می‌توان به شمارش، سنجش و نمایش خلاصه کرد که در هر سه آن مقولات کم و کیف نهفته است و همه این‌ها ریشه در نیاز انسان به انجام کار علمی دارد.

مقاله نهم با عنوان «نظریه اخلاقی در قرآن» نشان می‌دهد که قرآن حاوی نظریات فراوان در حوزه‌های مختلف انسانی و به ویژه اخلاق است ولی بسیاری از محققان به دلایل گوناگون به کشف آن نپرداخته‌اند. وقتی بحث از اسلام و علوم اسلامی می‌شود صرفاً به

پاره‌ای از عقاید دانشمندان مسلمان اشاره می‌گردد که با آنکه آنان خود متأثر از آموزه‌های قرآنی بوده‌اند ولی اغلب با صراحت به اصول و قواعد اسلامی برگرفته از قرآن اشاره نمی‌کنند و یا خوب اشاره نمی‌کنند. یافته‌ها نشان می‌دهد که در حوزه اخلاق به ترتیب سه اصل کرامت و تقوی، ترتب و اقتضا، و گذشت فردی و عدالت اجتماعی مهم تلقی می‌شوند که در بردارنده‌ی نظریه اخلاقی اسلامی - اجتماعی است. این کتاب در اصل به منظور نقد کتاب «اخلاق حرفه‌ای در کتابداری و اطلاع‌رسانی» نوشته شده است

در مقاله دهم با عنوان «اثر یا پدیدآورنده اثر» نویسنده ضمن بیان ضرورت ارتباط انسان‌ها با یکدیگر، به اهمیت و تفاوت اثرگذاری بین اثر (گفتار یا نوشتار) و پدیدآورنده اثر (گوینده و راوی)، برای برقراری ارتباط بین انسان‌ها اشاره می‌کند. وی می‌گوید: اگر ملاک «اثر» باشد و اعتماد بر صدق پدیدآور در درجه بعد قرار گیرد برای برقراری ارتباط مؤثر، فرایندی که بخواهد درجه‌ی درستی را بیابد به مراتب مشکل‌تر، وقت‌گیرتر، و از نظر اقتصادی پرهزینه‌تر است. اگر چنین تفکری که من آن را «تفکر استنادی» و یا «فاعل محور» می‌نامم در آموزش ما حاکم شود بسیاری از مسائل حل خواهد شد. خانواده‌ها و نیز سازمان‌های آموزشی و تربیتی که عهده‌دار اخلاق و تربیت انسان‌هایی هستند که همه وجود خود را خالصانه در اختیار ما قرار داده‌اند و ذهن آنان (به‌ویژه دانش‌آموزان) همچون زمین بکر و حاصل‌خیزی است که هرگونه بذری در آن می‌روید نباید با گفتار بی‌سند و بی‌مأخذ پر شود. لذا آن‌ها هم بر این امر پای خواهند فشرد که آنچه را می‌آموزند و می‌آموزانند بدانند از کیست و شخصیت

گوینده چیست؟ و لذا در صورت داشتن هر گونه انحرافی قبل از پذیرش قطعی گفتار او احتیاط کنند. با این نگرش، آموزش با پرورش به مقدار قابل توجهی همگام و هماهنگ خواهد شد. علم رجال نیز عهده‌دار انجام چنین رسالتی است. در قرآن و احادیث نیز می‌توان برای این منظور شواهد فراوانی یافت. اینکه انسان بداند علم خود را از که می‌گیرد اصلی قرآنی است و به طور قطع بر روایاتی که می‌گوید «به گفته بیندیش و گوینده را واگذار» تقدم دارد.

مقاله یازدهم با عنوان «اخلاق حرفه‌ای با اشاره به اخلاق اطلاع‌رسانی» اشاره می‌کند که اخلاق به معنی چگونه عمل کردن و عمل کردن در راستای برطرف کردن نیاز است و چون رفع این نیازمندی هدف‌دار است طبعاً اخلاق هم هدف‌دار خواهد بود. در نظام فکری بشر تا کنون سه جریان مهم مطرح بوده است. جریان ارسطویی که می‌توان آن را جهان‌محوری نامید و جریان خدامحوری که ارباب ادیان طرف‌دار آن بوده‌اند و جریان سوم که از زمان دکارت مطرح و پیگیری شد که بر اساس آن انسان، محور همه عالم گردید. اخلاق فردی، اجتماعی، و سازمانی به هم وابسته‌اند و همه آنها متأثر از نحله‌های فکری موجود در جامعه خواهند بود. کتابداری و اطلاع‌رسانی هم به عنوان یک حرفه، هم از جریان‌های موجود در جامعه رنگ می‌پذیرد و هم در قالب حرفه به‌اصل و ریشه خود می‌پردازد و بر طبق آن عمل می‌کند. دست‌کم در غرب دو نوع گرایش برای چستی اطلاعات در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی می‌توان شناخت. عده‌ای آن را پدیده‌ای شناختی می‌دانند که در آن تأثیر و تأثر از فرستنده به گیرنده و بر عکس آن است. در حالی که بعضی دیگر

معتقدند اطلاعات پدیده‌ای مستقل از جامعه و جهانی که ما در آن زندگی می‌کنیم، نیست، و لذا نمی‌توان انسان را صرفاً موجودی منفعل دانست. او در عالمی از معنا قرار دارد و بر معنا می‌افزاید و به تعبیری هرمنوتیک‌وار به این سیر ادامه می‌دهد.

در مقاله دوازدهم با عنوان «کارکردهای جدید برای کتابخانه‌ها» بیان می‌دارد که دو کارکرد آموزش و سرگرمی کارکردی اصیل برای کتابخانه‌ها نیستند؛ زیرا در اولی سازمان‌های آموزشی رسمی مسئولیت آن را به عهده دارند و در دومی مراکز تفریحی مسئول آن هستند. در این مقاله به نقش مطالعه به مثابه نوعی مسابقه اشاره می‌شود و اینکه کارکرد اصلی کتابخانه‌ها ایجاد و گسترش محیطی برای مسابقه فکری و تلاش علمی است که با فراهم آوردن امکانات لازم، طبقه‌بندی و سطح‌بندی مفاهیم و منابع از یک طرف، مطالعه بر روی مخاطبان بالقوه و بالفعل و سطح‌بندی اعضا و غیراعضا به لحاظ توانایی‌های مختلف جهت مطالعه و فراهم آوردن زمینه مطالعه از طرف دیگر، و پیوند بین منابع دسته‌بندی‌شده با سلاقی و علایق افراد بررسی شده از طریق مشاوره از طرف سوم کارکردی اصیل برای کتابخانه‌هاست؛ همچنان‌که در محیط‌های ورزشی این چنین عمل می‌شود.

در مقاله سیزدهم با عنوان «داده، اطلاعات، و دانش و رابطه آن با کتابداری» نویسنده می‌گوید که بحث داده، اطلاعات و دانش مبحثی است که در عین وضوح دارای ابهام‌های بسیاری است. دست کم در آن دو نگاه سلسله‌مراتبی و یا هم عرضی وجود دارد. عده‌ای آن را به فردی و جمعی تقسیم کرده‌اند و در عین حال بسته به نوع نگاه تعریف شده می‌تواند بار معنایی آن تغییر کند. در این مقاله نویسنده ضمن

برشمردن پاره‌ای از این تعاریف به تعریف جدیدی بر اساس محورهای عینیت و ذهنیت پرداخته و با اعتقاد به اصالت عین و واقع خارجی، همه انواع داده، اطلاعات و دانش را متکی و مبتنی بر خارجیت می‌داند که ذهن از آن‌ها تصویر بر می‌دارد. بازیابی اطلاعات که مهم‌ترین کارکرد کتابداری و اطلاع‌رسانی است در این حوزه نقش آفرین خواهد بود و در هریک از حالات چهارگانه مطرح شده می‌تواند به هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، مدیریت دانش و اطلاع‌رسانی منجر شود.

مقاله چهاردهم با عنوان «نگرشی پویا به رده‌بندی و بازیابی» نویسنده می‌گوید که در علم اطلاعات و دانش‌شناسی، رده‌بندی و بازیابی همیشه در کنار هم بوده‌اند. اما در دوره‌هایی خاص، به خاطر نبودن علاقه در به‌کارگیری دانش، تصور می‌شد که کتابخانه‌ها فقط مکانی برای جمع‌آوری و نگهداری کتاب‌ها و دیگر مدارک ارزشمند هستند. بنابراین، مردم فکر می‌کردند که فقط برای اشیای تجملی، دسته‌بندی، نظم و ترتیب، و رده‌بندی ضروری است. دلیل این امر در نگاه ایستای آن‌ها به اشیاء بود که کتابخانه هم مشمول این طرز تفکر بود. با تغییر دیدگاه‌ها و چرخش نگاه از ایستا به پویا به جهان، این ضرورت تغییر می‌کند. بنابراین اگر ما کتابخانه را به عنوان مکانی که در آن مردم نیازهای اطلاعاتی خود را برآورده می‌کنند، و نه به عنوان مکانی برای مجموعه کتاب‌ها و مدارک دیگر تعریف کنیم، می‌توان گفت کتابداری صرفاً علم رده‌بندی محسوب نمی‌شود بلکه رشته‌ای است که به کمک آن اطلاعات، بازیابی و دانش در آن دریافت می‌شود، مقاله پانزدهم با عنوان «استناد، هویت علمی، و رفتار استناددهی،

ضمن اشاره به تعریف، اهمیت و ضرورت «استناد» نویسنده بیان می‌دارد که استناد در واقع نشانگر شخصیت علمی و اعتقادی مولف است. او علاوه بر اینکه از طریق استنادها نوعی ارتباط خود را با افراد و گروه‌ها تعیین می‌کند اما قبل از آن با استناد، شخصیت علمی خود را می‌سازد. زیرا استناد، زمانی اتفاق می‌افتد که مولف، خود به آنها اعتقاد دارد بنابراین فرد محقق، در استنادی که می‌کند قبل از اینکه رابطه‌اش را با دیگری و دیگران نشان دهد، خود را نمایانده است. در این مقاله سعی شده است به محورهایی که نشانگر هویت علمی محقق است اشاره شود. اگر این محورها مورد قبول جمع علمی واقع شود آنگاه با تکنیک دلفی می‌توان در ضریب تأثیر هر یک از عوامل، تحقیق نمود. نتیجه اینکه استناد، بیانگر هویت اجتماعی، مذهبی، علمی، فرهنگی، امنیتی، اقتصادی، تاریخی و مانند آن است. همچنین رفتار استناددهی می‌تواند مورد مطالعه قرار گیرد.

مقاله شانزدهم با عنوان «نقش اطلاع‌رسانی در حل مسئله» به اهمیت حل مسأله و چگونگی پدید آمدن آن در سطوح مختلف فردی و سازمانی، ملی و جهانی اشاره می‌کند و به عواملی چون عدم تعریف درست، عدم امکان‌سنجی به موقع، عدم توجه به ضرورت و نبود اولویت، عدم توجه به فرایند اجرا و استفاده بهینه از مدیران کارآمد در اجرا، نبود بستر و ابزار مناسب اجرایی، عدم توجه به محیط رقابتی، نادیده گرفتن دوره زیستی پروژه، عدم آمادگی برای برخورد با حوادث غیرمترقبه و مسائل سیاسی و جهانی، غرور و تعصب بی‌جا و عدم رعایت اخلاق می‌پردازد. اطلاع با همه ابعاد آن و نیز دانش، اگر درست فهمیده و به کار برده شود، شفافیت لازم به همراه دقت، صحت،

و سرعت در اطلاعات و تجزیه و تحلیل آن می‌تواند به عنوان مهم‌ترین عامل در حل مسأله بسیار مؤثر باشد. این عوامل اگر در ایجاد برنامه لحاظ شده باشد در طول دوره زمانی آن هم باید به آن توجه شود تا از بروز مشکل جلوگیری کند. پیش‌فرض‌ها علت اصلی انگیزه رفتار تصمیم‌گیرندگان، در حل مسأله است و چنانچه پیش‌فرض‌ها منطقی و معقول باشد از بروز مسأله جلوگیری می‌کند و در صورت بروز، در حل آن مؤثر خواهد بود.

مقاله هفدهم با عنوان «بدیلی برای اف. آر. بی. آر» می‌گوید بازیابی، اگرچه در دنیای امروز بیشتر مطرح شده و کاربران در کانون توجه قرار گرفته‌اند، اما واقعیت این است که بازیابی همواره اساس و پایه در حوزه‌های علمی و به‌ویژه دانش علم اطلاعات بوده است. توسعه فناوری این توجه را بیشتر نموده و از این‌رو، محققان برای هرچه بهتر شدن ابزار بازیابی کوشیده‌اند و می‌کوشند. بدیهی است با ابزار سنتی و قدیمی، دیگر نمی‌توان به نیازهای گسترده و متنوع نسل کنونی پاسخ گفت. پس از انواع سازماندهی‌ها و رده‌بندی‌های مرسوم و استفاده از قالب‌هایی چون «دابلین کور»، «مارک»، «تی. ای. آی»، «مودس»، اصطلاحنامه، تاکسونومی‌ها و فولکسونومی‌ها به بازار آمدند که هر یک گوشه‌ای از مشکلات را حل نمودند و بدیهی است مشکلات و محدودیت‌هایی هم به همراه دارند. هستی‌شناسی مقوله‌ای فراگیر است که اخیراً برای پاسخ‌گویی به نیاز مخاطب و به‌ویژه در محیط وب مطرح گشته‌است. اف. آر. بی. آر. نمونه‌ای از آن است که آن‌هم به خاطر مشکلات اجرایی کمتر عملیاتی شده و مجریان رغبتی اندک برای استفاده از آن، از خود نشان داده‌اند. نویسنده در این مقاله

رویکردی جدید به مسئله هستی‌شناسی‌ها و یا بهتر است گفته شود هستی‌نگاشت‌ها دارد که می‌تواند جایگزینی برای اف. آر. بی. آر باشد. در مقاله هجدهم با عنوان «پیرامون دانش» بعضی از تعاریف مدیریت دانش نقد می‌شود و اینکه دانش در آغاز، بیرونی است، آنگاه درونی می‌شود و عینا و یا با تغییراتی دوباره بیرونی می‌گردد و در اختیار دیگران قرار می‌گیرد. این دانش، گاهی بلافاصله منتقل می‌شود و گاهی همراه با تجربه و ممارست به صورت مهارت در می‌آید. همچنین اهمیت بالایش مفاهیم درونی و یا بیرونی دانش، فرق مدیریت اطلاعات و مدیریت دانش، ویژگی‌های مدیریت دانش و آسیب‌های مدیریت دانش، دست‌آورد این مقاله است. و سرانجام مدلی در این باره ارائه می‌شود.

مخاطبان این مجموعه مقالات، استادان و دانشجویان تحصیلات تکمیلی حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی و علاقمندان به این رشته است؛ اگر چه دانشجویان کارشناسی، به ویژه در سالهای بالاتر هم می‌توانند از آن استفاده کنند. نویسنده سعی کرده است تا در موضوعات مختلف علم اطلاعات و دانش‌شناسی، سخنی نو داشته باشد و از تکرار بپرهیزد. اینکه تا چه اندازه توفیق داشته است خوانندگان عزیز قضاوت خواهند کرد. امید است مطالب طرح شده بتواند در بازنگری مفاهیم و تجدید نظر در آموخته‌ها گامی موثر باشد و در تعمیق فکر و اندیشه نقشی بارز ایفا کند. البته، از آنجا که این مقالات در فواصل مختلف نوشته شده‌اند در بسیاری از موارد نام قبلی کتابداری و اطلاع‌رسانی با نام جدید جایگزین نشده است، از این بابت پوزش می‌خواهم.